

خشکه دریا

قربان صحرایی چاله سرایی

تالش سرزمینی زیباست. این سرزمین برای بسیاری از هموطنان ناشناخته است. حتی برای خیلی از خود تالشان. سرزمین تالش دارای مواهب بی‌کرانی است که از سرانگشت نقاش ازلی خداوندگار هستی‌آفرین تراویده و طبیعت بی‌کران آن چنان دارای آراستگی است که آدمی در تماشای جلوه‌های بس بدیع و بی‌بدیل آن ناگزیر است انگشت حیرت به دندان گزد. «تالش‌زمین» هم مکان زیارت است؛ چه آن‌که در جای‌جای آن بزرگانی از اولیاءالله خفته‌اند. انسان‌های شریفی که در حیات خویش ملجاء و مأمنی برای مردم این سامان بودند و آن‌گاه که به دیار دوست شتافتند، تُّربت‌شان زیارت‌گه عشاق عارف این دیار شده است. و هم محل سیاحت. سیاحتی در طبیعت‌های بکر و شگرف. گردش در تابلوهای رنگارنگ طبیعی تالش‌زمین آدمی را در فراسوی رؤیاهای واقعی سیر می‌دهد. طبیعت خیال‌انگیز بیلاقات مخملین سبزپوش تالش آن‌چنان زیباست که باید رفت و دید نه گفت و شنید، چه آن‌که از قدیم گفته‌اند «شنیدن کی بود مانند دیدن؟». اما ما ناگزیریم از نوشتن. به جهت این‌که بشناسیم و بشناسانیم به دیگران تالش‌زمین را.

آن‌چه در پی می‌آید گوشه‌ای است از این دریای بی‌کران زیبایی الهی در دل جنگل‌های آرمیده در خاک تالش به نام «خشکه‌دریا». امید که با سفر به بیلاقات بی‌بدیل تالش بر هموطنان عزیز خوش بگذرد و همواره با خاطری مملوّ از شادی و مسرتّ از مسافرت‌های‌شان به تالش یاد نمایند.

موقعیت جغرافیایی و تاریخی

خشکه-دریا منطقه‌ی گود افتاده‌ای است که در حدود ۱/۵ کیلومتر طول و به همین اندازه هم عرض دارد و با تیغه‌ی کوهی که خلخال و شاندرمن را از هم جدا می‌کند، چندان فاصله ندارد [۱]. در «کتاب گیلان» وسعت دریاچه‌ی خشکه-دریا به صورت تقریبی، «۴ هکتار» نوشته شده است اما این وسعت صحیح نیست و به صورت حدس و گمان ثبت شده است. در واقع کتاب گیلان با استناد به نوشته‌های رابینو وسعت دریاچه را چهار هکتار ذکر کرده است اما بر اساس آخرین اطلاعاتی که توسط پایگاه «سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور» منتشر شده وسعت خشکه‌دریا ۱۲,۵ هکتار اندازه‌گیری و ثبت شده و عمق متوسط آن را حدود ۱۰ متر ثبت کرده است. همچنین در زمان رابینو در آنجا آثار قنات‌هایی دیده شده است که به نظر او برای ذخیره‌ی آب استفاده می‌شده است. با توجه به وفور آب در چشمه‌ها و جویبارهای اطراف منطقه وجود هرگونه قنات در این منطقه بسیار بعید به نظر می‌رسد. نیز در خصوص وجود این قنات‌ها نگارنده به معتمدین و ریش‌سفیدان متعددی از جمله آقایان «شعبان پورمحمد چاله‌سرای» و «احد خانی خساره‌زادی» مراجعه و پرسش نمودم ولیکن آن‌ها نیز دست کم این موضوع را تأیید نکردند. در تاریخ ۸۰/۰۳/۰۲ ضمن گفتگویی که

با آقای احد خانی خساره‌زادی داشتیم از ایشان پرسیدم نظر شما در مورد وجود قنات در خشکه‌دریا چیست؟ آقای خانی که از معتمدین و ریش‌سفیدان محلی ساکن در روستای دران شاندرمن است گفتند: «در افسانه‌ای محلی آمده است که در روزگاران گذشته چوپانی در ارتفاعات خشکه‌دریا به دامداری مشغول بود و منزل مسکونی‌اش در حومه خشکه‌دریا قرار داشت. از آن جایی که حمل و نقل شیر از ارتفاعات به منزل برایش به صورت روزمره آسان نبود، برای سهولت انتقال شیر مسیر «آلا[۲]»ی خود در «بند[۳]» تا منزل مسکونی‌اش در خشکه‌دریا را با قطعاتی سفالینه به صورت لوله‌کشی امروزی درآورده بود و بدین صورت شیر دوشیده شده را به پایین انتقال می‌داد! شاید آثار سفالینه‌هایی که کم و بیش در منطقه یافت می‌شود این ذهنیت را ایجاد کرده که در خشکه‌دریا قنات بوده باشد».

ارتفاع خشکه‌دریا از سطح دریای آزاد حدود ۱۵۰۰ متر است [۴]. برای مسافرت به خشکه‌دریا بایستی مسیر شاندرمن - دران - طالب دره - حاجی-بیجار- لچور - کوهسار را طی کرد که هر کدام از مناطق مذکور خود دارای زیبایی‌های خاصی هستند. البته هنگامی که مسافر به لچور رسید می‌تواند ادامه‌ی مسیر را از طریق میمونَه - کوهن - وییرگا و سیف-آستونَه - نایه‌شر- آموئَه‌خوار، طی نماید ولیکن از مسیر اخیر چندساعتی دیرتر به مقصد خواهد رسید. منطقه‌ی بسیار زیبای خشکه‌دریا یکی از مناطق بیلاقی و بدیع شاندرمن است که در فاصله‌ی تقریبی یک روزه راه (به صورت پیاده) و با مسافت حدود ۸ فرسخ از شاندرمن واقع شده است.

چگونگی ایجاد دریاچه

به نظر می‌رسد به دلیل ریزش کوه «سایله-سر» و لغزش زمین در ضلع جنوبی این دریاچه در روزگاران گذشته و پرشدن حد فاصل دو کوه «خوئَه-لونه=Xōalōna» در ضلع شمالی و کوه «سایله-سر=Sāylasar» در ضلع جنوبی، چاله‌ای بزرگ به صورت طبیعی در این منطقه ایجاد گردید. با توجه به فراوانی چشمه‌سارها و آبریزه‌های مختلف، آب‌هایی که از این طریق از مناطق مختلف بدانجا سرازیر می‌شده موجب آب‌گرفتگی این چاله‌ی بزرگ ایجاد شده در پشت این زمین‌لغزش گردیده است و به تدریج آب آن زیاد شده تا جایی که استخر بزرگی را تشکیل داده است. حومه‌ی خشکه‌دریا از مسیرهای شمالی و شمال غربی دارای تپه‌های دل‌انگیزی است که وقتی آدمی در فصل تابستان بدانجا پای گذارد از آن همه زیبایی و صفا و صمیمیتی که بر آنجا حاکم است بی‌اختیار انگشت حیرت بر دهان می‌برد و ناگزیر جز حمد و ثنای خدای سبحان هیچ بر زبان نمی‌آورد.

ورزش‌های سنتی

با طلوع آفتاب در هر بامداد بهاری و تابستانی، زیبایی و طراوتی عجیب و غیرقابل توصیف بر منطقه مستولی می‌شود که زبان از گویای آن به تمام معنای کلمه قاصر است. هر غروب صدای زنگوله‌های گوسفندان و رمه‌های چوپانان و نوای دل‌انگیز تنها همدم چوپانان «تالشه لَه» که همان نی تالشی است و صدای آبشارهای اطراف و چهچه انواع پرندگان و به طور کلی آوای دل‌انگیز طبیعت همه در هم می‌پیچند و با سرخی شفق که از نهان شدن و فرو رفتن آفتاب عالم‌تاب در پشت کوه‌های سمت غرب منطقه، در هم آمیخته و جلوه‌ای بی‌نهایت طربناک بر محل متظاهر می‌گردد. جوانان و مردان تالش ساکن در منطقه از دشت‌های اطراف خشکه--دریا برای تفریحاتی سنتی و غیرسنتی بهره‌ی کافی را می‌برند. ورزش اسب دوانی یکی از زیباترین تفریحات سنتی است که هر تابستان در خشکه-دریا و «ترمی-چال» که یکی از دشت‌های وسیع و زیبای آنجاست به مسابقه گذاشته می‌شود. و در آن زنان و مردان سوارکار تالش سوار بر اسب‌های بومی تالش شده و منطقه را ساعاتی در حماسه و رزم فرو می‌برند که مدت‌ها آن حماسه‌ها در ذهن باقی می‌ماند. علاوه بر این، بازی‌های محلی از قبیل «کلامزا» و «داله مزا» و «کشتی باوچ» دیگر تفریحاتی هستند که جوانان بومی منطقه به همان روش سنتی انجام می‌دهند. «باوچ» کشتی محلی ایل تالش است که در بیلاقات منطقه مرسوم بوده و هنوز هم گه‌گاهی به شیوه‌ی متداول در عروسی‌ها انجام می‌شود. همزمان و همراه با این کشتی «نی» نواخته می‌شود، نی-زن‌ها معمولاً چوپان هستند. کشتی در فضای باز و در محوطه‌ای انجام می‌شود که گرداگرد آن علاقمندان و مشتاقان محلی این کشتی نشسته‌اند [۵]. بازی‌های بچه‌ها و نوجوانان را نیز بایستی به این مجموعه اضافه نمود که آن هم جایگاه مخصوص به خودش را داراست.

بیلاقات حومه

در اطراف خشکه-دریا بیلاقات زیبایی قرار دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از: «سیف-آستونه (=صیف‌آستونه)»، «آمروئه-خوار»، «نایه-شر» (گویند در ایام گذشته شهری بزرگ در آن‌جا دایر بوده است)، «چَره-چال»، «گلی‌دشت» و «سِرسی» به ترتیب در شمال، شمال غرب، و غرب و نیز «دَشْتِه»، «وَناو» و «اوره-بند» به ترتیب در جنوب، و جنوب غرب. همچنین است بیلاقات بالادست‌ها و اندکی دورتر و واقع شده در ارتفاعات خشکه‌دریا از قبیل «وییرگا»، «کله»، «سِرُوا»، «علی‌واش»، «لارژیه». در بیلاق لارژیه قله ستر و جاویدان «بِزِن‌دار» معروف است و همچنین بقعه‌ی «شاه پیلین» زیارتگاه تالشان منطقه می‌باشد. در جنوب بیلاق وییرگا بایستی از بقعه «جیلرزن» یاد نماییم که مورد احترام اهالی است.

هر کدام از مناطق بیلاقی فوق دارای جلوه‌های بدیعی است که با گفتن و نوشتن قابل وصف نیست. هر چند نگارنده با توجه به موقعیت کاری که دارد اکنون سال‌هاست از بهره‌مندی این همه مواهب بی‌کران الهی محروم مانده است ولی مرغ دلش همواره در آن وادی‌های به غایت زیبا پرواز می‌کند چه آنکه روزگار خردسالی‌اش را در این وادی‌های بی‌نهایت دل‌انگیز سپری کرده و از آن خاطرات بسیار خوشی به یادگار دارد.

سوغاتی‌های بیلاق

عسل طبیعی، انواع فراورده‌های لبنی، گوشت، پشم گوسفند، ماهی و صنایع دستی (شال، پوئّه‌گیروه، چَنگیله، انواعی از تزیینات زین و یراق اسبان) بهترین سوغاتی است که از بیلاق خشکه‌دریا می‌توان برای عزیزان خویش هدیه برد.

[۱]. رابینو، گیلان، ص ۱۳۰

[۲]. کومه‌ی کوچک و موقتی شبانان تالش هنگام چرای گله. اسکلت آلا تماماً از چوب (شاخه نازک و ترکه درختان) است. و پوشش آن از «سیاجادر» (=سیاه چادر) بافته شده از موی بز. داخل آلا از دو قسمت تشکیل شده. ۱/۳ آن جهت آتشگاه برای پخت و پز و گرما و گذاشتن ظروف مختصری که همراه چوپان است و ۲/۳ بقیه محل استراحت «تالشه‌شونه» می‌باشد.

[۳]. مرتع. ارتفاعی که فاقد درخت است. با توجه به پوشش علوفه‌ای مراتع، این مناطق از سرسبزی ویژه‌ای برخوردارند. در برخی از دشتهای مراتع تالش پوشش شقایق‌ها چنان منطقه را فرا می‌گیرد که در دورنمای آن دشت تمام منطقه پوشیده از مخملی سرخ دیده می‌شود.

[۴]. ابراهیم اصلاح عربانی و دیگران، کتاب گیلان، جلد اول، ص ۱۵۹.

۱. سیّدعلی میرنیا، فرهنگ مردم (فولکلور ایران)، ص ۱۵۱.

برگرفته از: وبلاگ "دران"